



## روشنفکران چپ در رؤیا سخن می گویند پاسخ علی اکبر پیرهادی به شش پرسش آرش

س - دلایل و خصلت اصلی این جنبش و شکل گیری و دوام آن را چگونه می توان توضیح داد؟

**اکبر پیرهادی:** دلایل و خصلت این جنبش و شکل گیری آن عبارت است: از آغازین روزهای فروپاشی نظام شاهنشاهی، با ورود آیت الله خمینی در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قدم به قدم با قبضه کردن کلیه نهادها، و در قدم اول اشغال همه پستها و مقام های سیاسی از بالاترین تا پائین ترین رتبه های اجرایی که منجر به یکدست شدن سیاست اداره کشور شد، و به تدریج با حذف کلیه دگر اندیشان از صحنه سیاسی و با سرکوب و زندان و اعدام، قدرت غالب جامعه شد. اما، روز به روز با اینکه حکومت تسلط خود را در کلیه سطوح کشور نهادینه می کرد نیروهای آزادیخواه و طرد شده از صحنه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی با هزینه های کلان مادی و معنوی، به مخالفت برمی خاستند. و هر چه فعالیت ها منسجم تر می شد، به تدریج اثرات مثبت خود را در اجتماع نمایانگر می ساخت. نسل جدید هم که خواسته هایش را با سیاست های ضد مردمی حکومت در تضاد می بیند در پی راه چاره می گردد که از هر روزه ای خواستار مطالبات خود باشد. آزادی بیان و تجمع و راهپیمایی امنیت اجتماعی و شغلی و ثبات اقتصادی و تامین معیشت در کشور ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی وجود ندارد. در سی سال گذشته این مطالبات اولیه انسانی نادیده گرفته شده است و قلب در انتخابات ریاست جمهوری همان روزه ای بود که اقشار مختلف جامعه که طی سالها تک به تک سرکوب شده بودند در یک حرکت متحدانه در غالب جنبش سبز همراه شدند.

س- ترکیب طبقاتی جنبش کنونی را چگونه ارزیابی می کنید؟

**ج:** کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان و طبقه متوسط اجتماعی. برای دوام این جنبش کلیه اقشار تا رسیدن به نتیجه باید در کنار هم باشند و به تفکرها و اندیشه های مختلف احترام بگذارند. باید سرنوشت جامعه و قوانین حاکم بر جامعه توسط رای گیری و فراندوم آزاد مشخص شود.

س - آیا شکل گیری یک جنبش ضد دیکتاتوری به نفع کارگران و زحمتکشان است یا فقط در صورتی به نفع آنهاست که با خواست ها و رهبری آنها شروع شود؟

**ج:** هر جامعه ای از اقشار مختلف مردم تشکیل شده و هیچکدام از اقشار نسبت به دیگران ارجحیت ندارد. کارگران اگر بخواهند که به خواست ها و مطالبات خود دست یابند باید به حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خود آشنا شوند و با تشکیل تشکل های کارگری در سطح کارگاه، کارخانه و شهر و استان و کشور با هم در ارتباط باشند تا بتوانند با حضور خود در صحنه های مختلف اجتماعی حضور پر شور و قدرتمند داشته باشند، تا خواست های خود را از حکومت ها بگیرند. اگر بتوانند این چنین بافت اجتماعی داشته باشند چه در راس حکومت باشند چه نباشند، با ایجاد سندیگاهها و اتحادیه ها و احزاب کارگری قوی می توانند در سیاست های کلی و حتی تغییر قوانین به نفع خود اثر گذار باشند

**س-** چه نیروهایی کارگر هستند؟ و آیا می توان وزن طبقاتی کارگران و زحمتکش را در متن همین جنبش تقویت کرد؟ آری یا نه؟ چرا، چگونه و با چه شرایطی؟

**ج:** کلیه کسانی که حقوق بگیر هستند و در قبال نیروی کار خود دستمزد دریافت می کنند، چه کارگرانی که فعالیت های یدی دارند و از نیروی بازوی خود استفاده می کنند و چه حقوق بگیرانی که با کار فکری خود را در خدمت جامعه هستند و امرار معاش می کنند؛ که نیرویی عظیم در هر جامعه ای می باشند نمونه هایی از آنها عبارتند از کارگران تولیدی و صنعتی، خدماتی و کشاورزی، معلمان و پرستاران و غیره -- آری می شود حضور و وزن طبقاتی کارگران را تقویت کرد - چرا؟ به علت نقش کارگران در عرصه تولید و اقتصاد و نیروی عظیم اجتماعی آنها . چگونه ؟ با حمایت و پشتیبانی و آموزش و آگاهی و اتحاد چون قشری زحمت کش اما از نظر اقتصادی و آگاهی اکثرآ در فقر غوطه ور هستند. اگر بدانند که حامیانی بی غل و غش دارند و از آنها به عنوان سکوی پرتاب استفاده نمی شود و صادقانه به کرامت انسانی آنها احترام گذاشته شود مانند دریای خر.وشانی هستند بنیان کن که قادر به شکست سدهای عظیم دیکتاتورها می باشند

**س-** چرا نقش چپ در جنبش کنونی ( دست کم تاکنون ) حاشیه ای بوده است؟ چگونه می توان وزن و نقش چپ را در این جنبش تقویت کرد؟

**ج:** اگر واقع گرا باشیم و به شعار اکتفا نکنیم تئوریسین ها و روشنفکران چپ در رویا سخن می گویند و راه کارهای عملی که قابل دسترس باشد نمونه عینی ارائه نمی دهند و در بحث ها و گفتگو ها بسیار متعصبانه جبهه گیری می کنند و خطاهای دیگر تفکرات را مو به مو توضیح می دهند چون نمونه عینی دارند اما نمونه های عینی حکومت هایی را که حداقل به نام چپ تا به حال به وجود آمده منکر می شوند و کلیه بحث ها در حد تئوری باقی می ماند و معمولاً در گفتگو، صحبت های طرف مقابل را قطع می کنند. و به همان اندازه که ایدئولوژی خود را معرفی می کنند تحمل شنیدن پاسخ ندارند. شباهت زیادی به دیکتاتورها دارند که بحث های شخصی شان شنونده را به یاد عملکرد جمهوری اسلامی می اندازد

**س-** با تجربه ای که از انقلاب بهمن داریم و درس هایی که از شکست آن گرفته ایم، برای آن که جنبش کنونی مردم به شکست نیانجامد چه می توان کرد؟

**ج:** به نظر من باید بهانه سرکوب را از رژیم گرفت و حتی الامکان از خشونت پرهیزیم و با همدلی و صداقت برای آزادی ایران، همه اقشار دوشادوش هم به مبارزه ادامه دهند تا اکثریت جامعه به حرکت در آید و نیروهای سرکوبگر توان مقابله و سرکوب را نداشته باشند. از شعارهای تو خالی که عمل به آنها مشکل و غیر ممکن است پرهیزیم و حقوقی را که برای خود قائلیم برای کلیه افراد قائل باشیم. از تعصب و تکروی دوری کنیم؛ برای بزرگنمایی و چشمگیر کردن فعالیت و عقیده مورد نظر، تفرقه بین اقشار دیگر نیندازیم و آنها را نکوبیم.